

نقد و بررسی محتوایی گزارش انتساب امام جواد (ع)

مهدی نورمحمدی^۱

چکیده

شبهات گوناگونی به همراه پاسخ آن‌ها، درباره امام جواد (ع) مانند هر امام دیگری مطرح بوده است. یکی از این بحث‌ها، اصل مسأله فرزندی ایشان است. این سؤال گرچه هم‌اکنون اندکی غریب می‌نماید، چنین به نظر می‌رسد که زمانی مطرح بوده است که آیا ایشان فرزند علی بن موسی‌الرضا (ع) هستند؟ این مقاله با استناد به اسناد متعدد و متقن و به کارگیری روش تاریخی، ضمن این‌که شبهه عدم نسبت پدر و فرزندی بین امام جواد (ع) و امام رضا (ع) را مردود می‌داند، اثبات می‌کند که اصل واقعه ایراد شبهه بر ساحت قدسی امام رضا (ع) به لحاظ تاریخی پذیرفتنی نیست.

واژگان کلیدی: امام جواد (ع)، امام رضا (ع)، فرزندخواندگی، نسبت پدری، نسبت فرزندی.

مقدمه

محمد بن علی بن موسی (ع)، نهمین امام شیعیان در ماه رمضان سال ۱۹۵ قمری در مدینه چشم به جهان گشودند و در ذی‌قعدة سال ۲۲۰ قمری در حالی که تنها ۲۵ سال از عمر شریفش می‌گذشت، در بغداد در مقبره قریش کنار جدش موسی بن جعفر (ع) چهره در نقاب خاک کشیدند. ۲ امام جواد (ع) در حالی در سال ۲۰۳ ق در سنین کودکی به امامت رسید که شیعیان پس از

ص: ۷۵

۱. پژوهش‌گر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۹۲. برای تحقیق درباره اطلاعات شناسنامه‌ای امام جواد (ع)، نک: یدالله مقدسی، بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان، ص ۴۵۱-۴۷۹.

یک دوره شور و شغف و امیدواری از این‌که امامشان علی بن موسی‌الرضا (ع) بر مسند ولایت‌عهدی تکیه زده و به خلافت نزدیک شده‌اند، دچار ناامیدی و سرگردانی شده بودند. ۳ از یک‌سو امام رضا (ع) پس از یک دوره کوتاه ولی‌عهدی، به شهادت رسیده بودند و از دیگر سو شبهاتی درباره امام بعدی مطرح بود. ۴ از جمله این شبهات، اصل نسبت فرزندی ایشان بود که در نظر شیعه، به ارث بردن امامت تابعی از توابع همین اصل است. این شبهه از زمان حیات حضرت رضا (ع) و سال دوم پدر شدن ایشان ناشی می‌شد، ۵ اما دور نیست که دشمنان دوست‌نما و دوستان نادان، زمزمه آن را بلافاصله پس از شهادت حضرت رضا (ع) و ابتدای امامت امام جواد (ع) سر داده باشند. در سطور آتی به بررسی و نقد این شبهه خواهیم پرداخت.

بیان و خاستگاه شبهه

امام رضا (ع) بنابر بیش‌تر دیدگاه‌ها و درست‌ترین آن‌ها، متولد سال ۱۴۸ قمری بودند. ۶ آن حضرت تا سال ۱۹۵ قمری دارای فرزند نشدند تا آن‌که در ماه رمضان یا رجب آن سال، خداوند امام جواد (ع) را بدیشان عطا فرمود. ۷ بدین ترتیب امام رضا (ع) تا ۴۷ سالگی صاحب فرزند نشده بودند. اگر فرض کنیم

ص: ۷۶

امام رضا (ع) در هفده سالگی ازدواج کرده باشند، ۸ تا ولادت امام جواد (ع) حدوداً سی سال فاصله است. این دوره سی ساله، بهانه خوبی به دست بداندیشان داد تا در انتساب واقعی حضرت جواد (ع) به امام رضا (ع) تشکیک کنند. برخی از

۳. طبری شیعی، دلائل الامامه، ص ۲۰۴؛ حسین بن عبد الوهاب، عیون المعجزات، ص ۱۰۸.

۴. اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۹۵.

۵. خصیبی، هدایه الکبری، ص ۲۹۰؛ دلائل الامامه، ص ۲۰۱؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۳۸۷.

۶. مقدسی، پیشین، ص ۴۲۴، به نقل از منابع شیعی: کافی، ج ۱، ص ۴۸۶؛ قمی، تاریخ قم، ص ۱۹۹؛ شیخ مفید، ارشاد؛ مصنفات، ج ۲ / ۱۱، ص ۲۴۷؛ المقنعه، ص ۴۷۹؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۸۳؛ منابع سنی: محمد بن حمدویه، تاریخ نیشابور، ص ۱۳۱؛ گنجی شافعی، کفایه المطالب، ص ۴۵۷؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۶، ص ۳۵۱.

۷. پیشین، ص ۴۵۴، به نقل از منابع شیعی: نوبختی، فرق الشیعه، ص ۹۱؛ کلینی، ج ۱، ص ۴۹۲؛ ابن ابی الثلج، تاریخ الائمة، (مجموعه نفیسه، ص ۱۳)؛ تاریخ قم، ص ۲۰۰؛ ارشاد (مصنفات، ج ۲ / ۱۱، ص ۲۷۳)؛ منابع سنی: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۵۵؛ ابوالفرج بن جوزی، المنتظم، ج ۱۱، ص ۶۲؛ ابن طلحه شافعی، مطالب السؤول، ص ۳۰۳.

۸. در روایتی امام رضا (ع) بر ازدواج در ابتدای سن بلوغ تأکید می‌کنند. (صدوق، عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۸۹).

آنان حتی پسر دار نبودن ایشان را در بدو امامت امام رضا (ع) (۱۸۳ ق) دست آویز مخالفت با امامت ایشان قرار داده بودند. به عقیده آنان، امام باید صاحب پسر باشد؛ زیرا انتقال امامت جز در مورد حسنین (ع)، از طریق پدر به پسر منتقل می‌شود و امام رضا (ع) در آن زمان پسر نداشتند. ۹ این در حالی بود که در آن زمان تنها ۳۵ سال از عمر شریف حضرتش می‌گذشت.

علاوه بر طول زمان فرزندان شدن امام رضا (ع)، پدیده دیگری که به تقویت شبهه کمک می‌کرد، تفاوت رنگ پوست امام جواد (ع) با پدر بود. آن چنان که از منابع تاریخی برمی‌آید، حضرت جواد (ع) دارای پوستی متفاوت و به شدت تیره‌رنگ بودند. ۱۰ در گزارش مشهور «زرقان» از «ابن ابی داوود»، از ایشان با عنوان «اسود؛ سیاه‌پوست» یاد شده است. ۱۱

به گزارش کلینی، زکریا ابن یحیی واقعه ابراز شبهه را از علی بن جعفر شنیده که برای حسن بن حسین بن علی نقل می‌کرده است. در آن گزارش، علی بن جعفر به ظلمی که برادران و عموهای امام رضا (ع) از جمله خود وی بر ایشان روا داشتند، اعتراف کرده و از یاری خداوند بر ایشان سخن رانده، می‌گوید:

ما و برادرانش به او ۱۲ گفتیم: هرگز در میان ما خاندان، امامی که رنگش

ص: ۷۷

دگرگون باشد نبوده است. حضرت رضا (ع) فرمودند: «او پسر من است». ۱۳

آنان بدین کلام امام قانع نگشته، با استناد به این که رسول خدا (ص) به حکم قیافه‌شناس داوری فرموده، از حضرت خواستند تا به حکمیت چهره‌شناسان گردن نهد. حضرت با استنکاف از مباشرت در چنین عملی، آنان را در انجام دادن

۹. پیشین، ج ۲، ص ۲۰۹.

۱۰. کافی، ج ۱، ص ۳۲۲؛ هدایه‌الکبری، ص ۲۹۰؛ دلائل الامامه، ص ۲۰۱؛ مناقب، ج ۴، ص ۳۸۷-۳۸۸.

۱۱. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۱۹. این گزارش مشهوری است که بر اساس آن «ابن ابی داوود» به دلیل شکست علمی که در مجلس معتصم عباسی از امام جواد (ع) خورده بود، حضرت را سعایت کرده و معتصم را به شهادت ایشان تحریک نموده است.

۱۲. منظور امام رضا (ع) است.

۱۳. کافی، ج ۱، ص ۳۲۲.

آن مختار گذاردند. در روز موعود، عموها، برادران و خواهران امام رضا (ع) به صف شدند. آنان برای اطمینان بیش‌تر از صحت داوری چهره‌شناسان، به حضرت خرقه و کلاهی پشمین پوشاندند و بیللی بر دوشش گذاشته، نقش باغبان یا صاحب باغ را بدیشان سپردند. سپس امام تقی (ع) را وارد کردند و به چهره‌شناسان گفتند که پدر او را شناسایی کنید. آنان ضمن تأکید بر نبود پدرِ فرزند در میان جمع، تأکید کردند که عموی پدرش، عموی خودش و عمه‌اش حضور دارند. آنان از روی ردّ پای صاحب باغ، حدس زدند که اگر کسی پدر او باشد، هموست. ناگهان با دیدن امام رضا (ع) همگی اذعان داشتند که همین شخص پدر اوست. در پایان علی بن جعفر ابراز پشیمانی کرد و به امامت جواد الائمه (ع) اقرار نمود و لب و دهان ایشان را بوسید و از گریه امام رضا (ع) و ذکر قائم و منتقم آل محمد (ص) از زبان ایشان و این‌که او جز از همین نسل نمی‌تواند باشد، سخن گفت. ۱۴

برخی منابع همچون هدایه‌الکبری، تصریح دارند که سرگردانان و شک‌کنندگان، با استناد به تفاوت ظاهری پدر و پسر و این‌که پوست حضرت جواد (ع) بسیار تیره‌رنگ بوده، پا را از مرزهای ادب، اخلاق و دین فراتر نهادند و با اتهام ناروا، فرزند را به یکی از خادمان سیاه‌پوست امام رضا (ع) منسوب کردند. ۱۵ آنان برای اثبات فرزندى امام جواد (ع) ایشان را در غیاب پدر که نزد مأمون بود، به مکه برده، بر چهره‌شناسان عرضه کردند. البته با تأیید چهره‌شناسان، بطلان

ص: ۷۸

ادعایشان ثابت گشت. ۱۶ در آن گزارش، چهره‌شناسان پس از زیارت روی جواد الائمه (ع) به خاک افتاده، شکاکان را تقبیح کردند و از جلالت مقام، علو شأن، طهارت مولد و نالایقی خودشان برای تعیین نسب حضرت سخن راندند. در پایان با سوگندهای جلّاله، بر انتساب جواد الائمه (ع) به پیامبر (ص) و امیرمؤمنان (ع) تأکید کردند. سپس حضرت جواد (ع) با خطبه‌گرایی خود را معرفی و آنان را نکوهش کردند. آن حضرت در ادامه، از علم خویش بر ضمیر و ذهن کسان و این‌که این علم را خداوند، پیش از خلقت، بدیشان عطا فرموده است، اطلاع دادند. ایشان اذعان می‌دارند که اگر تقیه مانع نبود، بیش از این می‌گفتند و سپس خطاب به خویش فرمان سکوت می‌دهند. پس از آن، در حالی که شیوخ

۱۴. همان.

۱۵. خصیعی، همان، ص ۲۹۰؛ دلائل الامامه، ص ۲۰۱؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۳۸۷.

۱۶. همان.

بنی‌هاشم پیرامون ایشان، لب به (اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يُجْعَلُ رِسَالَتَهُ) ۱۷ گشوده بودند، از روی سر و دوش مردم، مجلس را ترک می‌فرمایند. ۱۸.

بررسی و نقد شبهه

۱. بررسی و نقد سندی شبهه

نقد سندی را از گزارش کتاب کافی شروع می‌کنیم. سند گزارش مذکور عبارت است از:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِي جَمِيعاً عَنْ زَكْرِيَّا بْنِ يَحْيَى بْنِ النُّعْمَانِ الصَّيرَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ جَعْفَرٍ يَحَدِّثُ الْحَسَنَ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْحُسَيْنِ.

در سلسله سند مذکور، شخصی به نام زکریا با لقب «الصیرفی»، «المصرفی» یا «المصری» ۱۹ آمده که در منابع رجالی نامی از وی به میان نیست و در اصطلاح

ص: ۷۹

«مهمل» است ۲۰ که سبب تضعیف روایت می‌گردد. از این رو، محققان علم رجال همچون آیت‌الله خویی، با وجود این که در کتاب‌های رجالی خویش این راوی را به دلیل مجهول بودن، به صورت جداگانه بررسی نکرده‌اند، در مباحث فقهی که به مناسبت، سخن از این حدیث به میان آمده، روایت را تضعیف کرده‌اند. ۲۱ علاوه بر آن، شخص یاد شده، گزارش واقعه را از قول «علی بن جعفر» شنیده که برای «حسن بن حسین بن علی بن حسین» نقل می‌کرده است. بنابراین حدیث مذکور نقل از معصوم نیست و اعتبارش در حد یک گزارش تاریخی است.

۱۷. «خدا بهتر می‌داند رسالتش را کجا قرار دهد»: (سوره انعام، آیه ۱۲۴).

۱۸. خصیعی، همان، ص ۲۹۰؛ دلائل الامامه، ص ۲۰۱؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۳۸۷.

۱۹. سیدابوالقاسم خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۵۴۴. محققان کتاب المکاسب، یک لقب با عنوان «العری»، به القاب وی افزوده‌اند: (مرتضی انصاری، المکاسب، ج ۲، ص ۹، پاورقی ۱).

۲۰. علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۸، ص ۸۱.

۲۱. سیدابوالقاسم خویی، مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۵۹۱. کارشناسان نرم‌افزار «درایه‌النور» وابسته به مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نیز حدیث را ضعیف دانسته‌اند.

در بررسی سندی سه منبع دیگر، یعنی هدایه‌الکبرای خصیبی (د. ۳۳۴ ق)، دلایل الامامه طبری شیعی (د. ق ۴) و مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب (د. ۵۸۸ ق)، با توجه به یکسانی فوق‌العاده زیاد گزارش‌ها و توالی تاریخی منابع مذکور، به نظر می‌رسد دوتای آخر از منبع اول نقل کرده باشند. لذا بررسی هدایه‌الکبری کافی است. استناد کتاب به نویسنده آن یعنی حسین بن حمدان خصیبی مقرون به صحت است، ولی از جهات دیگری خدشه‌پذیر است. نگارنده کتاب، رابطه وثیقی با جریان غلو داشته و کتابش مشتمل بر اخبار منافعی با مسلمات عقلی و تاریخی و حاوی مطالب موهن مذهب و ائمه (علیهم السلام) است. ۲۲

۲. بررسی و نقد محتوایی شبهه

از نظرگاه محتوایی، شبهه بر سه فرض تیره‌رنگ بودن پوست امام جواد (ع)، تفاوت ظاهری پدر و پسر و همین‌طور تفاوت امام جواد (ع) با اجدادش استوار است؛ در حالی که جز فرض اول، دو فرض دیگر خطاست. در این‌که امام جواد (ع) پوست تیره‌رنگی داشتند، شکی نیست. تنها گزارشی که امام جواد (ع) را با صفت «سفیدپوست» توصیف می‌کند، گزارش ابن صباغ

ص: ۸۰

مالکی است که این گزارش، با توجه به متأخر بودن ابن صباغ، منحصر بودن این گزارش به وی و گزارش‌های فراوان‌تر و متقدم‌تر مخالف، پذیرفتنی نیست. ۲۳

اما در خطاب‌بودن فرض تفاوت امام رضا (ع) و پدرانش با امام جواد (ع)، باید نخست اذعان داشت که امام رضا (ع) نیز دارای پوستی تیره‌رنگ بودند. ۲۴ از همین رو در منابع «شخصیت‌نگاری» از ایشان با تعبیر «اسوداللون» یاد شده است. ۲۵ فردی در حمام به اشتباه از امام رضا (ع) طلب خدمت می‌نماید و حضرتش نیز با تواضع حاجات وی را

۲۲. برای بررسی و نقد کامل کتاب و نویسنده، نک: نعمت‌الله صفری فروشانی، «حسین بن حمدان خصیبی و کتاب الهدایه الکبری»، مجله طلوع، زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۵-۴۶.

۲۳. علی بن محمد مالکی مکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمة (علیهم السلام)، ج ۲، ص ۱۰۳۹؛ عبارت وی چنین است: «صفته ابیض معتدل؛ سفید روی با قامتی میانه».

۲۴. کشی، رجال، ص ۴۷۰؛ علی بن محمد علوی، المجدی فی أنساب الطالبین، ص ۱۲۸.

۲۵. خیرالدین زرکلی، الاعلام، ج ۵، ص ۲۶.

برآورده می‌کند. ایشان با مطایبه، رنگ پوستشان را علت این امر می‌دانند. ۲۶ البته این رنگ پوست برای شخصیتی که مادر بزرگوارش اهل افریقا، ۲۷ و پدر والامقامش، امام کاظم (ع) که با همین تعبیر «اسوداللون» وصف شده، ۲۸ طبیعی است. امام کاظم (ع) نیز شاید این ملاحظه را از مادرشان به ارث برده باشند؛ زیرا مادر ایشان نیز بربر ۲۹ و اهل مغرب بودند. ۳۰

دیگر آن‌که از میان ائمه پیش از امام جواد (ع) نیز برخی به تیرگی پوست توصیف شده‌اند. امام باقر (ع) در روایتی امیرمومنان (ع) را «شدیدالادمه» به معنای «کسی که تیرگی پوستش شدید است» توصیف می‌کنند. ۳۱

ص: ۸۱

مؤید دیگر مربوط به علم ژن‌شناسی است. امروزه در علم مذکور، این نکته به اثبات رسیده که حتی اگر پدر و مادر فرزندی واجد برخی صفات نباشند، فرزند می‌تواند آن صفت را از چندین نسل گذشته خویش کسب نماید. پس می‌توان نتیجه گرفت که امام جواد (ع) نیز هم‌چون پدر و برخی از اجداد بزرگوارشان پوستی تیره داشتند. همان‌طور که فرزندان ایشان؛ امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) نیز این صفت خدادادی را از ایشان و مادرشان به ارث بردند. ۳۲ نکته

۲۶. ابوحماد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۱۲؛ با کمی تغییر در جزئیات: صلاح الدین خلیل بن ابیک صفدی، الوافی بالوفیات، ص ۲۵۱-۲۵۲.

۲۷. برای اهل حبشه بودن ایشان، نک: علوی، همان، ص ۱۰۶؛ ابن‌عنبه، عمده الطالب، ص ۱۹۶؛ برای اهل نوبه (جایی در مصر) بودن نک: کلینی، همان، ج ۱، ص ۴۹۲؛ برای از نسل ماریه قبطیه (همسر رسول الله) بودن ایشان نک: کلینی، همان، ج ۱، ص ۴۹۲؛ برای اهل مریسیه (دهی در مصر) بودن ایشان، نک: ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۳۷۹.

۲۸. علوی، همان، ص ۱۰۶؛ ابن‌عنبه، همان، ص ۱۹۶.

۲۹. کافی، ج ۱، ص ۴۷۶.

۳۰. ابن‌عنبه، ص ۱۹۶.

۳۱. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۹؛ ابن‌قتیبه، الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۸۰؛ ابن‌قتیبه، المعارف، ص ۲۱۰؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۲۶؛ ضحاک، الاحاد و المثنائی، ج ۱، ص ۱۳۵؛ طبری، تاریخ، ج ۵، ص ۱۵۳؛ طبری، المنتخب من ذیل المذیل، ص ۱۸؛ عبدالکریم ابن طاووس، فرحه الغری، ص ۸۰. گفتنی است که ابن شهر آشوب در گزارشی، انتساب این صفت به امیرمومنان (ع) را کار عمرو عاص می‌شمرد. (ابن شهر آشوب، همان، ج ۳، ص ۳۰۷).

۳۲. برای تیرگی رنگ پوست امام هادی (ع)، نک: کلینی، همان، ج ۷، ص ۴۶۳-۴۶۴؛ طبری شیعی، دلائل الامامه، ص ۴۱۹؛ طبری شیعی، نوادر المعجزات، ص ۱۸۷؛ علی ابن طاووس، فرج المهموم، ص ۲۳۴ و برای امام عسکری (ع) نک: صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۴۰ و کلینی، همان، ج ۱، ص ۵۰۳ که علاوه بر آن که حضرت را به زیبایی صورت و نیکویی قامت وصف می‌کند، به سبزی (أسمر) ایشان نیز اشاره دارد اما در رجال کشی، ص ۵۷۴

ناسازگار این است که با توجه به شواهد متعدد تاریخی که امام رضا (ع) و امام کاظم (ع) سبزه‌گون و همسرانشان افریقایی بوده‌اند، چگونه ممکن است شکاکان چنین امری را مطرح کرده باشند؟

نقد محتوایی دیگر، تنها به سه منبع از چهار منبعی وارد است که به تیرگی پوست جواد الائمه (ع) و تشکیک شکاکان با استناد بر همین نکته توأمان اشاره دارند. در روایت کافی، رجوع به چهره‌شناسان با اطلاع امام رضا (ع) و در حضور ایشان انجام شد؛ ولی در گزارش‌هایی که در سه منبع دیگر یعنی هدایه الکبرای، دلایل الامامه و مناقب آل ابی‌طالب آمده، برای رجوع به قافه، ۳۳ حضرت جواد (ع) را در غیاب امام رضا (ع) که در خراسان بودند به مکه بردند؛ در حالی که در چنین مراسمی، حضور پدر به جهت قیاس چهره پدر و پسر الزامی است. وانگهی مگر

ص: ۸۲

خاندان اهل بیت (علیهم السلام) فاقد مهتر و بزرگ‌تر هستند که هر شک‌کننده حیرانی، توان آن را داشته باشد که فرزند امام را با خود به مکه ببرد. مهم‌تر از همه موارد پیش آن که گزارش این سه منبع، به لحاظ محتوایی دچار تناقض است. در خبر آن‌ها آمده که از سویی امام جواد (ع) هنگام وقوع حادثه ۲۵ ماهه بوده‌اند و از دیگر سو امام رضا (ع) در آن زمان نزد مأمون در خراسان بوده است. با توجه به این که تمامی منابع از طرفی ولادت حضرت جواد (ع) را ماه رجب یا ماه مبارک رمضان (سال ۱۹۵ ق) و از سوی دیگر، هجرت امام رضا (ع) به مدینه را اواخر سال ۲۰۰ قمری می‌دانند، ۳۴ بدیهی است که در زمان وقوع حادثه، یعنی ماه شعبان یا شوال سال ۱۹۷ امام رضا (ع) در مدینه بوده‌اند و فرض مذکور منتفی است. بنابراین گزارش دچار تناقض بوده، معتبر نیست.

وجود این گزارش داستان‌گونه را در کتاب‌هایی که در صدد اثبات امامت ائمه (علیهم السلام) از راه بیان معجزات هستند نیز نباید از نظر دور داشت. این گزارش از این منظر که امام جواد (ع) پس از آن که چهره‌شناسان در برابر ایشان به سجده افتادند و حضرت خطبه‌گرایی را در دوسالگی ایراد کردند، توجه این منابع را جلب کرده است. از آن سو، حضرت پس

راوی از شدت تیرگی پوست حضرت عسکری (ع) تعجب می‌کند و جالب آن است که حضرت شب در خواب به او می‌فرماید که این خواست خداست، هر گونه که بخواهد برای بندگانش رقم می‌زند.

۳۳. چهره‌شناس کسانی که با مطابقت و مقایسه خصوصیات ظاهری و جسمی دو فرد، متوجه می‌شدند که آن دو با هم چه نسبتی دارند. در گزارش کافی آمده که آنان حتی از روی اثر قدم‌های دو امام همام، متوجه نسبت آن‌ها شدند.

۳۴. اشعری قمی، المقالات والفرق، ص ۹۵.

از بیان مطالبشان، پا بر سر و گردن مردمی که پیرامونشان جمع شده بودند گذاشته، راه برگشت را در پیش می‌گیرند. ۳۵

یعنی از سویی معجزه‌ای از حضرت نقل کرده و از سوی دیگر مراتب ادب را از ساحت حضرت دور می‌سازد. به صورت معمول این روش را در این‌گونه کتاب‌ها می‌بینیم. ۳۶

نقد محتوایی دیگر، متوجه روایت کافی است. برخی پژوهش‌گران معاصر،

ص: ۸۳

محتوای حدیث مذکور را به دلیل احضار بانوان گرامی خاندان امامت نزد قیافه‌شناسان، رد می‌کنند. آنان این کار را خلاف ضروری مذهب، حرام و غیرواقع از امام دانسته، جایز بودن به دلیل اضطرار را نیز مردود می‌شمارند. ۳۷ البته شاید این نکته موجود در حدیث که امام از دعوت قیافه‌شناسان استنکاف کرده، آن را به شکاکان واگذار نمودند، توجیهی برای حضور بانوان در مجلس چهره‌شناسان باشد. ضمن آن‌که لازمه حضور نزد قیافه‌شناسان، کشف حجاب و ... نبوده است؛ زیرا آنان، چنان در کارشان ماهر بودند که حتی از ردّ پای افراد نیز متوجه نسبت آنان می‌شدند! آن‌گونه که در روایت کافی، مذکور است. بنابراین، این کار مستلزم حرام نیست تا چه رسد به مخالفت با ضروریات مذهب. هرچند این نکته که چهره‌پردازان به دنبال یافتن پدر فرزند بوده‌اند نه مادر ایشان، حضور بانوان را بیهوده جلوه داده، از این منظر نقد محتوایی به روایت کافی، وارد است.

نتیجه

از مجموع گزارش‌ها و شواهدی که به بوته بیان، بررسی و نقد سپرده شد، می‌توان مطالبه جامعه شیعی درباره فرزند پسر از امام رضا (ع) و وجود شبهه میان آنان راجع به امامت امام جواد (ع) را به دلایل گوناگون، ناشی از کمی سن خدشه‌ناپذیر دانست که البته پاسخ خود را در زمان مناسب دریافت کردند و به امامت ایشان ایمان آوردند. از سوی دیگر، تیره‌رنگ بودن پوست امام جواد (ع)، هم‌چون برخی از اجداد بزرگوار و فرزندان عزیزش و همانند برخی از

۳۵. خصیبی، همان، ص ۲۹۰؛ دلائل الامامه، ص ۲۰۱؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۳۸۷.

۳۶. در گزارش مشابه دیگری که پس از این گزارش آمده، وقتی راوی در ذهن خود از سیاه‌چرده و لاغر بودن امام جواد (ع) تعجب می‌کند، ناگهان می‌بیند که حضرت به شدت در طول و عرض بزرگ شده و تمام حجم مکانی را که نشستته بودند فرا می‌گیرند و سپس به رنگ کاملاً سیاه، کاملاً سفید و کاملاً سرخ تغییر رنگ می‌دهند و پس از آن به حالت اولیه باز می‌گردند. (دلائل الامامه، ص ۲۱۴؛ ابن شهر آشوب، همان، ج ۴، ص ۳۸۷).

۳۷. خویی، مصباح الفقاهه، پیشین.

مادران و همسران پاکشان قابل اثبات است. از همین رو، وجود شبهه به امامت ایشان به دلیل رنگ پوست و تفاوت آن با پدر و اجدادش، درست نیست. با ردّ اصل شبهه، تبعات آن هم چون ایراد اتهام فرزندخواندگی به حضرت جواد (ع) نیز باطل می‌گردد.

ص: ۸۴

منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۴۱۵ ق)، تحقیق هیأت علمی دارالقرآن‌الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران: دارالقرآن‌الکریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

ابن سعد بن منیع هاشمی بصری، محمد (۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ ق)، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: علامه.

ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد (۱۳۸۰ ق)، الفصول المهمه فی معرفه الائم (علیهم السلام)، تحقیق: سامی الغریری، قم: دارالحديث.

ابن طاووس، علی (بی تا)، فرج المهموم، قم: دارالذخائر.

ابن طاووس، عبدالکریم (۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م)، فرحه الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین (ع)، تحقیق سیدتوحسین آل شیب موسوی، بی جا: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.

ابن عنبه، جمال‌الدین احمد بن علی الحسینی (۱۳۸۰ ق)، عمده الطالب، تصحیح محمدحسن آل طالقانی، چاپ دوم، نجف: منشورات مطبعه حیدریه.

ابن قتیبه دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ ق / ۱۹۹۰ م)، الإمامه و السیاسه معروف به تاریخ الخلفاء، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء.

—، (۱۹۹۲ م)، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، چاپ دوم، قاهره: الهيئه المصريه العامه للكتاب.

اشعري قمی، سعدبن عبدالله ابی خلف (۱۳۶۰ ش)، المقالات و الفرق، تحقیق محمدجواد مشکور، چاپ دوم، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

انصاری، مرتضی (۱۴۱۷ ق)، المكاسب، تحقیق: مجمع الفکر الاسلامی، لجنة تحقیق تراث الشيخ الأعظم، قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأنصاري.

بلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر (۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م)، انساب الأشراف، ج ۲،

ص: ۸۵

تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

حسين بن عبد الوهاب (۱۳۶۹ ق)، عيون المعجزات، نجف: حيدريه.

خصيبي، حسين بن حمدان، الهداياه الكبرى (۱۴۱۱ ق)، بيروت: مؤسسه البلاغ للطباعة والنشر والتوزيع.

خويي، سيد ابوالقاسم (۱۴۱۳ ق)، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواه، چاپ پنجم، بی جا، بی نا.

—، (بی تا)، مصباح الفقاهه، قم: مكتبة الداوری.

زرکلی، خيرالدين (۱۹۸۹ م)، الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربين و المستشرقين، چاپ هشتم، بيروت: دارالعلم للملايين.

صدوق، محمد بن علی بن حسين بن بابويه قمی (۱۳۷۸ ق)، عيون اخبار الرضا (ع)، بی جا، انتشارات جهان اسلام.

—، (۱۳۹۵ ق)، کمال الدين، چاپ دوم، قم: انتشارات دار الكتب الاسلاميه.

صفدی، صلاح الدين خليل بن ابيک (۱۴۰۴ ق)، الوافي بالوفيات، تحقیق علی بن محمد بن رستم و عمر بن عبدالنصير، ويسپادن: شركه المتحده للتوزيع؛ فرانز شتاينر.

ضحاک، ابن ابی عاصم (۱۴۱۱ ق)، الاحاد و المثاني، تحقیق: باسم فيصل أحمد الجوابره، رياض: دارالدرایه للطباعة والنشر والتوزيع.

طبری، أبوجعفر محمد بن جرير (۱۳۵۸ ق)، المنتخب من ذیل المذیل، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

- (۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م)، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دارالتراث.

طبری شیعی، محمد بن جریر بن رستم (بی تا)، دلائل الامامه، قم: دارالذخائر للمطبوعات.

- (۱۴۱۰ ق)، نوادر المعجزات، قم: مدرسه امام مهدی (ع).

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۳۰ ق / ۲۰۰۹ م)، اختیار معرفه الرجال معروف

ص: ۸۶

به رجال کشی، تحقیق علامه مصطفوی، چاپ هفتم، لبنان: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

علوی، علی بن محمد (۱۴۰۹ ق)، المجدی فی أنساب الطالبین، تحقیق: احمد مهدوی دامغانی، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعه العلمیه.

غزالی، ابوحامد محمد بن محمد (۱۴۱۹ ق)، احیاء علوم الدین، حلب: دارالوعی.

کشی، محمد بن عمر، (۱۳۴۸ ش)، الرجال، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵ ش)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مقدسی، یدالله (۱۳۸۱ ش)، بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان (علیهم السلام)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نرم افزار درایه النور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی. ۳۸

ص: ۸۷